جارچی

نگاهی به نمایش «کلنل» خیرالله تقیانی‌پور

عاشقانه‌ای در بستر تاریخ معاصر

● **سیدجواد روشن:** گروه تئاتر نقاب یکی از گروه‌های جوان و خوش‌فکر تئاتری است که فعالیت مستمری در تولید و اجرای تئاتر دارند و البته در سینما و تلویزیون نیز فعال هستند. ویژگی خوب این گروه که البته ازجمله نیازهای هر گروهی نیز هست، استفاده از بازیگران و عوامل ثابتی است که در بیشتر پروژه‌های نمایشی‌شان حاضر هستند. خیرالله تقیانی‌پور نویسنده بیشتر آثار این گروه است و خود او در کنار جواد نوری کارگردانی اغلب این آثار را بر عهده دارد. نمایش‌های «دو روی روایت نادری»، «طروپ طرب»، «پری» و «تعبیر یک رؤیا» ازجمله آثار نمایشی این گروه است. نمایش قبلی این گروه با عنوان «بوقلمون» نوشته و کار خیرالله تقیانی‌پور بعد از موفقیت در سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، در سال ۹۴ در اجرای عمومی نیز مورد استقبال خوب مخاطبان قرار گرفت و نگارنده معتقد است آن نمایش یکی از آثار شاخص خیرالله تقیانی‌پور و گروه تئاتر نقاب است و حالا تقیانی‌پور در آخرین اثر خود به سراغ تاریخ - که یکی از دل‌مشغولی‌های اوست- رفته و الگوهای موردعلاقه خود در نمایش‌های ایرانی-سنتی را مجددا در اجرا مورد استفاده قرار داده است.تقیانی‌پور در این اثر به سراغ دوره قاجار و عصر مشروطه رفته است. عین‌الدوله طبق تاریخ، بعد از به قدرت‌رسیدن مظفرالدین‌شاه، حاکم تهران و سپس صدراعظم می‌شود. او از مخالفان و دشمنان مشروطه‌خواهان بود که بقای خود را در نابودی مشروطه می‌دانست. در نمایش «کلنل» عین‌الدوله (با بازی حسین پاکدل) برای سرکوب مشروطه‌خواهان و حفظ قدرت خود، از عشق عزیز به پری استفاده می‌کند تا با حذف سیدعلی اوسط (با بازی آرش آصفی) که از سرکردگان مشروطه‌چیان است، کماکان قدرت را در دست داشته باشد. عزیز (با بازی شهرام حقیقت‌دوست) از کودکی دل‌سپرده پری (با بازی مونا فرجاد) دخترعموی خود بوده ولی پری با سیدعلی اوسط ازدواج می‌کند ولی این عشق برای عزیز فراموش نمی‌شود. حالا عزیز می‌خواهد از غیبت سید که مدتی پنهان است استفاده کند تا دوباره به پری نزدیک شود و... .نمایش «کلنل» یک روایت عاشقانه را در بستری تاریخی روایت می‌کند و نشان می‌دهد که عشق چگونه به دست قدرتمندان به مسلخ می‌رود و قربانی می‌شود. در اینجا عشق عزیز به پری و پری به سیدعلی اوسط تبدیل به عشق به وطن، خاک و ناموس می‌شود و سرانجام سیداوسط به عنوان یک آزادی‌خواه و وطن‌پرست، اعدام می‌شود. هرچند در این راه خون‌های دیگری نیز ریخته می‌شود و پری و عزیز نیز کشته می‌شوند.تقیانی‌پور تاریخ را فقط بهانه‌ای قرار داده تا نگاه و روایت خودش را داشته باشد و شاید بتوان گفت آنچه بیشتر در نگاه او مورد توجه بوده، تأکید بر نادانی توده مردم است که چگونه از طرف صاحبان قدرت و ثروت مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند؛ مردمی که چشم در ظاهر دارند و گاهی برای لقمه‌ای نان، چشم بر حقیقت می‌بندند. دراین‌میان دین‌داران حکومتی نیز هستند که برای بقا و کسب ثروت، حاضرند هر حرامی را حلال و هر حقی را ناحق کنند و شیخ‌مقصود (با بازی سیروس همتی) نمادی از این‌گونه افراد است. نمایش‌نامه همان‌قدر که به‌خوبی داستان‌گویی می‌کند، به همان اندازه نیز به لایه‌های محتوایی و مفهومی توجه دارد و به لحاظ پرداخت، ساختار و شخصیت‌پردازی نمره قابل‌قبولی دارد. تقیانی‌پور در نگارش و در اجرا از گونه‌های نمایش ایرانی ازجمله تعزیه بهره گرفته و به‌خوبی پیوندی محتوایی با اثر ایجاد کرده است. او با برپایی مجلس تعزیه ارینب و حضور پری در این مجلس به جای ارینب، داستان زندگی ارینب را نیز بازگو می‌کند که یزید چگونه می‌خواهد با توسل به زور و نیرنگ او را از همسر خود دور و از آنِ خود کند که مشابهت دارد با دسیسه‌های عزیز در تصاحب پری. همان طور که اشاره شد تقیانی‌پور در شیوه کارگردانی و اجرا به‌خوبی از قالب‌های نمایش‌های ایرانی مثل تعزیه، روضه‌خوانی، سایه‌بازی، زن‌پوشی و... بهره گرفته و پیوندی درست با محتوا ایجاد کرده است. از طرف دیگر با آنکه با اثری تراژیک روبه‌رو هستیم، ولی لحظات کمدی به‌خوبی در اثر مورد استفاده قرار گرفته و میزان حساب‌شده‌ای دارد.نمایش «کلنل» به لحاظ بازیگری دارای معدل خوبی است و از بازی‌های روان و قابل‌قبول برخوردار است. هرچند شاید هیچ نقشی به لحاظ بازیگری مخاطب را شگفت‌زده نکند، ولی نکته مهم درست بازی‌کردن و در خدمت اثربودن است که نمایش «کلنل» به‌خوبی از این امتیاز برخوردار است. کار در سالن‌های بزرگ ازجمله سالن اصلی تئاترشهر به لحاظ طراحی صحنه، طراحی میزانسن، فضاسازی و... سخت است که باید گفت تقیانی‌پور درمجموع توانسته است این کار را به‌خوبی انجام دهد. طراحی صحنه (با طراحی رضا شاپورزاده) در خدمت فضاسازی و طراحی میزانسن است و به‌خوبی فضایی را ایجاد کرده تا صحنه‌های مختلف در آن اجرا شود و از طرف دیگر شاپورزاده زیبایی‌شناسی صحنه را در تقارن‌سازی دیده و سعی کرده است تا عمق و عرض سالن اصلی را با دکور خود مهار کند.

آیا سیاست‌های جدید فارابی، از جنس عهدنامه ترکمانچای است؟

فرانک آرتا

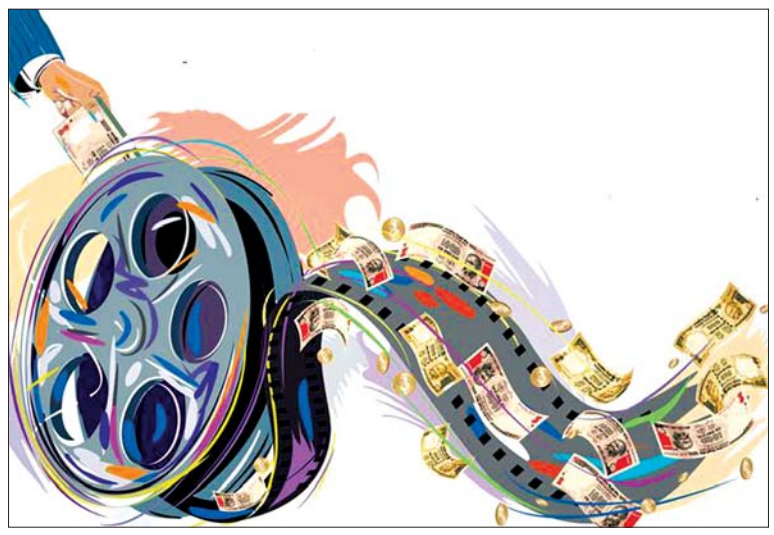

مشخص بود انتشار سیاست‌های جدید بنیاد سینمایی فارابی در رسانه‌ها با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو خواهد شد. شاید یکی از دلایلش خرق‌عادت‌بودن آن است. وقتی رویه‌ای که سال‌ها، اصل بوده، یکباره بخواهد تغییر کند، قطعا مخالفانی خواهد داشت. اما در این مدت نظر برخی از سینماگران به این سیاست‌ها متفاوت است. به‌طور مشخص انتقادات مهدی فخیم‌زاده و کیومرث پوراحمد آن قدر سروصدا به پا کرد که بنیاد سینمایی فارابی ناچار به انتشار بیانیه شد. اما اصل حرف سر چیست و سینماگران به چه چیزی اعتراض دارند. ظاهرا مهم‌ترین ایرادات به فارابی به «شیوه‌های حمایتی فارابی از تولید فیلم» مربوط می‌شود. یعنی چگونگی اعطای وام‌ها و در زبان عامیانه گردش مالی یا انتقال پول. در سیاست‌های اخیر فارابی قرار شده که دیگر فارابی خود رأسا وارد پروسه وام‌دهی نشود و آن را به صندوق اعتباری هنر تفویض کند.

با این رویکرد تابش در برابر این سؤال «شرق» که «نحوه اهدای تسهیلات اعتباری به فیلم‌ها و پیوندتان با «صندوق اعتباری هنر» در عین نکات مثبت، این سؤال را به وجود می‌آورد که آیا تهیه‌کنندگانی که سال‌ها به گرفتن وام بلاعوض عادت کرده‌اند، به این روش جدید تمکین خواهند کرد؟ یا اساسا نحوه مواجهه شما با آنها چیست»، این‌گونه پاسخ داد: «دراین‌باره قبل از هرچیز، باید بر این نکته تاکید کنم که بنیاد سینمایی فارابی در هیچ دوره‌ای، حمایتی که در قالب وام پرداخت کرده باشد، عنوان بلاعوض نداشته است.

این اصطلاح، بیشتر برگرفته از کم‌لطفی برخی از دوستانی است که فارابی را در چارچوب یک بنگاه «صرفا اقتصادی» یا «عابربانک» تعریف کرده‌اند. فراموش نکنیم، فلسفه وجودی و اصلی بنیاد، حمایت از سینماگران ایرانی است که دوره‌های مختلف شکل اجرائی آن تفاوت‌هایی داشته ولی چنین حمایتی هیچ‌گاه بلاعوض نبوده است. همواره بنیاد با عنایت به بضاعت مالی خود، درصدد حمایت از آثاری که از ویژگی‌هایی فرهنگی و هنری خاصی برخوردار بوده اند برآمده و با پرداخت وام‌هایی، کمک کرده فیلم‌ساز بتواند اثر مورد نظر خودش را خلق کند. بنیاد در چند سال گذشته برای اثبات صداقت خود و به تعبیر امروزی، راستی‌آزمایی در امر حمایت، هنگام دریافت وام‌های اعطایی، شکل و قالب دیگری از حمایت را هم مدنظر داشته و آن اینکه بعد از آن، برای کمک به سینماگر ایرانی، با خرید حقوق متصوره اثر، شیوه تهاتری پیش گرفته تا فیلم‌ساز، با اطمینان‌خاطر بیشتری بتواند فعالیت فیلم‌سازی خود را ارتقا دهد. بدیهی است این مکانیسمی که به آن اشاره شد، می‌تواند محل بحث و مناقشه‌ای را فراهم کند که در این سال‌ها، راجع به منافع یا معایب آن بحث‌های مفصلی صورت گرفته است».

اولین نکته در مواجهه با این پاسخ، بحث بازپس‌گیری وام‌های اعطایی است؛ در این زمینه یادداشت مهدی فخیم‌زاده در روزنامه «آسمان آبی» تأمل برانگیز است.

او قراردادهای جدید فارابی را با قرارداد ترکمانچای مقایسه کرده و نوشته فارابی با قراردادهای مبتنی بر مشارکت قصد دارد رانت جدید ایجاد کند. او در این یادداشت طنز بیان کرد که هیچ‌وقت سراغ تسهیلات فارابی نرفته و از سویی هم پیداکردن تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار برای هر نوع فیلم‌نامه‌ای کار آسانی نیست. چون تهیه‌کننده‌های ما فعلا به یک نوع کمدی به‌خصوص از نوع لودگی تمایل پیدا کرده‌اند و تهیه‌کننده بخش دولتی هم با من و امثال من پالوده نمی‌خورند، برای نخستین‌بار سراغ فارابی رفتم. او ادامه داد: «به خودم گفتم خدا رو چه دیدی شاید برای یه‌دفعه‌ام که شده از این نمد فارابی یه کلاهی هم واسه ما درست بشه. شال و کلاه کردم و تو اردیبهشت امسال فتوکپی شناسنامه و کارت ملی و اصل و خلاصه فیلم‌نامه و فیش ثبت بانک فیلم‌نامه و کوفت و زهرمار و... بردم تحویل بخش فرهنگی فارابی دادم، گفتن خبر می‌دیم.

یه ماه گذشت خبری ندادن. زنگ زدم گفتن منتظر باش خبر می‌دیم، یه ماه دیگه گذشت بازم خبری نشد؛ دوباره زنگ زدم؛ خلاصه دردسرتون ندم، بعد از دوماه‌نیم یه آقایی تماس گرفت و گفت ما بیشتر از ۲۰۰ میلیون به شما نمی‌تونیم وام بدیم، گفتم خیلی ممنون، دست شما درد نکنه به‌درد من نمی‌خوره. ول کردم و بی‌خیالش شدم». او ادامه داد: «۱۵، ۲۰ روز بعد آقای ایل‌بیگی که تازه شده بود قائم‌مقام فارابی زنگ زد و حال و احوال کرد و گفت فلانی تو یه تقاضانامه اینجا داری، می‌خوای دوباره به جریان بندازیم؟ گفتم نیکی و پرسش؟ یه‌ماه‌ونیم دیگه گذشت، باز خبری نشد؛ این‌بار من به اس‌ام‌اس فرستادم و گفتم آقای ایل‌بیگی... شال و کلاه کردم، رفتم. مسئول بخش مالی گفت: «کشتی‌بان را سیاستی دگر آمد، فارابی دیگه به کسی وام نمی‌ده، ما مشارکت می‌کنیم».

یه قرارداد ۱۵،۲۰ صفحه‌ای گذاشت جلوم. قرارداد رو برداشتم آوردم خونه و نشستم خوندم، دیدم نوشته ما ۴۰۰ میلیون به شما وام می‌دیم، در عوض به نسبت ۳۲ درصد از فیلم شریک می‌شیم و هر اتفاقی که برای فیلم بیفته ۳۲درصدش مال ماست.

در ضمن قید کرده بود که طبق این قرارداد گرفتن شریک ثالث قدغنه. همچنین بابت این قرارداد همون اول یه چک ۴۰۰میلیونی بدون تاریخ باید بدی... هر چی فکر کردم دیدم با ۴۰۰ میلیون فارابی و نقدینگی خودم نمی‌تونم فیلمو تموم کنم. دوباره بلند شدم و رفتم فارابی و گفتم آقای مسئول مالی، این قرارداد ترکمانچای قبول، ولی من اگه این‌جوری فیلمو شروع کنم، نیمه‌کاره می‌مونه، شریک دیگه‌ای هم نمی‌تونم بگیرم، می‌گی چی‌کار کنم؟ نمی‌شه ۵۰-۵۰ بشیم؟ گفت شرمنده، مأمورم و معذور. آقای تابش گفته همینی است که هست، بیشتر از این مقدور نیست». اما درعین‌حال برخی‌ها معتقدند سیاست‌های ارائه‌شده، شفافیت لازم را ندارد.

این در حالی است که تابش معتقد است خیلی از سینماگران تاکنون بیشتر قسط‌های وام‌های خود را به فارابی پرداخت نکرده‌اند! اما درعین‌حال برخی از سینماگران معتقدند در همه‌جای دنیا اغلب دولت‌ها از سینماگران برای حمایت از بخش فرهنگی و هنر در کشور، وام‌های بلاعوض می‌دهند، نظیر کشور فرانسه. بااین‌حال این سؤال هم پیش می‌آید که همیشه مرز سینمای تجاری و فرهنگی مشخص است. آیا بنیاد فارابی باید به فیلم‌سازان تجاری‌ساز هم کمک کند؟! کیومرث پوراحمد در اعتراض به سیاست‌های اخیر فارابی با مطرح‌کردن مسائلی مثل «خاله‌بازی» و «فامیل‌بازی» و «معامله‌کردن پست» عنوان کرد: «پست‌ها را به افرادی می‌دهند که شایسته نیستند و فقط میزشان را چسبیده‌اند و دلشان نه برای ایران، نه برای کودک ایران و... نمی‌سوزد. باید شرایطی مهیا شود که فیلم‌سازان فیلم بسازند. آنهایی که دغدغه دارند، امکانات ندارند، حمایت نمی‌شوند یا سرمایه آنها جور نمی‌شود». او با بیان اینکه «بنیاد فارابی گفته خودم برای ساخت فیلم‌نامه‌ام سرمایه بیاورم و این در حالی است که به بعضی‌ها که نورچشمی هستند، سرمایه می‌دهند». او درباره اینکه چرا مثل همیشه شاداب و سرحال نیست، گفت: «درحال‌حاضر زمین خورده‌ام و مهره‌هایم آسیب دیده‌اند و درد دارم. علاوه بر این موضوع، زمانی سالی یک فیلم می‌ساختم؛ اما الان هر پنج یا شش سال یک فیلم می‌سازم. طبیعتا کلا حالم خوب نیست».

تابش در جدیدترین گفت‌وگوی خود با ایسنا با بیان اینکه «میزان طلب‌های بنیاد از تهیه‌کنندگان متفاوت است»، ادامه داد: «از سال ۶۳ تا امروز پرونده‌هایی وجود دارد. هیئت امنای بنیاد، تعیین‌تکلیف بدهی‌های تهیه‌کنندگان را جزء تکالیف بنیاد قرار داده که تا پایان سال جاری باید این اقدام انجام شود. این فهرست تهیه شده و برخی از تهیه‌کنندگان که فیلم‌شان در اکران موفق بوده، می‌آیند و می‌توانند اقساط بدهی خود را بازپرداخت کنند و وام بنیاد را پس می‌دهند؛ اما در مواردی که توان بازپرداخت وام را نداشته‌اند، شیوه کار در سال‌های گذشته این بوده که در تعامل با فیلم‌سازان برخی از حقوق فیلم‌ها به جای بازپرداخت وام، تهاتر می‌شده است یا بخشی از آن پول را تهیه‌کننده و فیلم‌ساز به صندوق فارابی برمی‌گرداندند».

با همه این اظهارات بنیاد با انتشار اطلاعیه‌ای نسبت به انتقادات آقایان فخیم‌زاده و تابش واکنش نشان داد و در بخشی از آن تصریح کرد: «بنیاد سینمایی فارابی با اتکا بر بیش از سه دهه پشتوانه فرهنگی‌اش بار دیگر آمادگی خویش را مبنی بر عیان‌کردن زوایای بعضا مغفول‌مانده همه پروژه‌هایی که مورد حمایت قرار گرفته یا براساس توافق طرفین قرار بوده که مورد حمایت واقع شود، اعلام می‌دارد و بی‌صبرانه منتظر می‌ماند تا برای مرتفع‌کردن برخی از شبهاتی که این روزها فضای انبساطی سینمای ایران را تهدید می‌کنند، زایل کند».

فراتر از خبر

عدم شفافیت

محمد نیک‌بین: یکی از مسائلی که این روزها در سینمای ایران مطرح شده، بحث چگونگی عملکرد بنیاد سینمایی فارابی درباره اعطای وام به تهیه‌کنندگان در چرخه تولید فیلم‌های سینمایی است. قبل از هر چیزی، واقعیت این است که اصلا نمی‌دانیم سیاست‌های جدید بنیاد دقیقا چیست! چندان مشخص نیست که می‌خواهند به چه نوع فیلم‌هایی وام بدهند و این وام‌ها قرار است مشمول چه نوع فیلم‌هایی شود! آیا قرار است به فیلم‌های دفاع مقدس توجه شود، یا فیلم‌اولی‌ها یا ژانر کودک و... . از همه مهم‌تر، نحوه تقسیم وام‌هاست؛ مثلا می‌خواهند به فیلمی ۵۰ میلیون تومان وام بدهند یا به فیلم دیگر ۵۰۰ میلیون تومان! اصلا مبنای انتخاب فیلم‌ها بر اساس چه معیاری خواهد بود. به همین دلیل وقتی سیاست‌ها شفاف بیان نمی‌شود، در نتیجه معیاری دیگر وجود ندارد و فقط سلیقه‌ها اعمال خواهند شد!اصلا حسن اینکه سیاست‌ها شفاف بیان شود، این است که هر کسی در جایگاه خودش قرار می‌گیرد و دست آخر انتظارات بی‌جا از بنیاد سینمایی فارابی نخواهیم داشت. نکته مهم بعدی این است که اصولا اعطای وام برای تداوم فعالیت سینمای مستقل امری ضروری است؛ چون سال‌هاست بنیاد سینمایی فارابی به چنین کاری مشغول بوده و با زیروبم‌های کار تولید فیلم کاملا آشناست؛ وگرنه غیر از فارابی هیچ جای دیگری وجود ندارد که چنین کاری انجام دهد. از آن گذشته، گرفتن وام از بانک‌ها و بازگشت آنها با سودهای ۲۰ درصد، کمر بخش خصوص را می‌شکند و در درازمدت هم با توجه به بالارفتن هزینه‌های تولید، به‌صرفه نخواهد بود. باید بپذیریم در همه این سال‌ها مشکلات مهم در بخش فرهنگ و هنر، نبود قانون‌مندی و ضابطه‌مندی است که آسیب‌های فراوانی وارد کرده است؛ چون اصولا در ایران هیچ نهادی از کسانی که کارآفرین هستند و اصولا سودآوری می‌کند، حمایت نمی‌کند. اغلب هم دولت‌ها به دلیل اینکه از موضع قدرت هستند، کمتر به سرمایه این بخش از جامعه توجه می‌کنند و به دلیل حمایت‌نکردن و نبود امنیت اقتصادی این بخش رها می‌شود و طبیعتا کسی در این بخش نمی‌تواند ریسک کند. به همین دلیل بی‌دلیل نیست که این روزها صدای برخی از تهیه‌کنندگان سینمای ایران درآمده است.

پیکر حبیب‌الله چایچیان تشییع شد

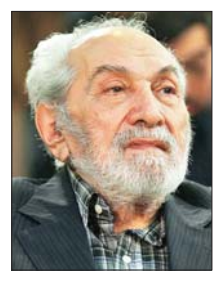

مراسم تشییع پیکر حبیب‌الله چایچیان (حسان)، شاعر آیینی کشورمان، با حضور شاعران و علاقه‌مندان شعر آیینی، صبح جمعه، ۱۰ آذر، برگزار شد. فرزند رهبر معظم انقلاب نیز در این مراسم حاضر شدند و از نزدیک به خانواده آن مرحوم تسلیت گفتند. طبق اعلام خانواده مرحوم چایچیان، احتمالا مراسم ترحیم، روز دوشنبه در مسجد بلال صداوسیما برگزار خواهد شد.حبیب‌الله چایچیان، شاعر «آمدم ای شاه پناهم بده»، شامگاه پنجشنبه گذشته پس از طی یک دوره بیماری درگذشت. او متولد سال ۱۳۰۲ در تبریز بود و در طول حیات خود اشعار بسیاری را در مدح ائمه‌اطهار سرود.

فیلم مجید مجیدی در لبنان قاچاق شد

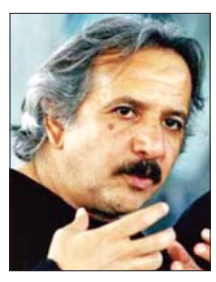

گروه هنر: فیلم سینمایی «محمد رسول‌الله (ص)»، به کارگردانی مجید مجیدی، در لبنان قاچاق شد. نسخه قاچاق فیلم سینمایی «محمد رسول‌الله»، ساخته مجید مجیدی، در لبنان و سایت‌های آپلود فیلم به صورت غیرقانونی عرضه شد.

بر اساس گزارش کانال تلگرامی «سینما»، دو سال بعد از اکران فیلم «محمد رسول‌الله» و ناکامی سازندگان آن برای اکران جهانی، نسخه قاچاق این فیلم در لبنان منتشر شد. با این اتفاق سرانجام سازندگان فیلم تصمیم گرفتند این فیلم را در هفته‌های آتی با قیمت ۱۰ هزار تومان در شبکه نمایش خانگی توزیع کنند.

شجریان با «سیمرغ» در پاریس

گروه هنر: پیش‌فروش کنسرت «سیمرغ» با صدای همایون شجریان در شهر پاریس آغاز شد. به گزارش روابط‌عمومی جشنواره هنری فارسی‌زبانان، کنسرت «سیمرغ» که تاکنون اجراهای فاخری در ایران و نقاط مختلف دنیا، از جمله هلند داشته، قرار است هم‌زمان با برگزاری جشنواره هنری پارسی‌زبانان اروپا به مدت دو شب در پاریس اجرا داشته باشد. گزینش هوشمندانه عوامل این پروژه باعث شده تا کنسرت «سیمرغ» در زمره یکی از برجسته‌ترین آثار موسیقی سنتی قرار گیرد. اشعار این اثر برگرفته از شاهنامه فردوسی است. در این اجرا همایون شجریان به‌عنوان خواننده و حمید متبسم به‌عنوان آهنگ‌ساز حضور دارند.

ترمیم دیپلماسی فرهنگی

صالح زمانی: چهارمین اجلاس رؤسای کتابخانه‌های ملی عضو اکو پس از وقفه‌ای هفت‌ساله، ششم و هفتم آذر در «دوشنبه»، پایتخت جمهوری تاجیکستان برگزار شد. اگرچه جمهوری اسلامی ایران سال‌ها پیش با ارائه طرح این نشست سالانه تلاش کرد تا گامی را در راستای همگرایی فرهنگی در منطقه ایجاد کند، اما به دلایل متعدد، این تلاش‌ها با چالش‌هایی همراه شد که نتیجه آن تأخیر پی‌درپی در برگزاری منظم و سالانه این نشست بود. این‌بار با حضور اشرف بروجردی، ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و با توجه به نقش تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های فرهنگی، راهبرد جدیدی برای روابط خارجی سازمان تدوین شد. درهمین‌راستا احیای دبیرخانه رؤسای کتابخانه‌های ملی عضو اکو یکی از پروژه‌هایی بود که در شش ماه نخست سال گذشته و در نشست‌های متعدد داخلی و هماهنگی با مؤسسه فرهنگی اکو و کتابخانه ملی تاجیکستان به ثمر نشست.

هدف اصلی از اجرای این طرح منطقه‌ای تقویت روابط کتابی و توسعه حوزه‌های اطلاع‌رسانی و همین‌طور مبادلات فرهنگی است. این طرح علاوه‌بر اینکه چارچوبی برای فعالیت‌های کتابخانه‌ای در حوزه اکو تعریف می‌شود، بازویی برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی نیز به حساب می‌آید و از این طریق به ترمیم روابط سیاسی با اکو به‌طورعام و برخی کشورها به‌طورخاص نیز کمک می‌شود. در حقیقت کتابخانه ملی ایران تلاش می‌کند تا خلأ موجود در سایر حوزه‌های مغفول‌مانده در دیپلماسی فرهنگی را در سال‌های آینده دنبال کرده و از طریق تقویت پیوندهای فرهنگی میان کشورهای منطقه، به تسهیل روابط غیرفرهنگی کمک کند.

نکته مهم دیگر در عملیاتی‌سازی طرح‌های فرهنگی منطقه‌ای و جهانی مربوط به ضرورت همکاری‌های داخلی میان نهادهای فرهنگی و سیاست خارجی است. به‌نظر می‌رسد هر تحولی در حوزه دیپلماسی فرهنگی در نتیجه همکاری و همدلی میان دستگاه‌های مرتبط معنا پیدا می‌کند. کتابخانه ملی ایران در راستای تحول در حوزه همکاری‌های بین‌المللی آمادگی خود را برای هرگونه هماهنگی و همکاری با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت امور خارجه اعلام کرده و از این طریق تلاش می‌کند تا ظرفیت‌های فرهنگی خود را در اختیار توسعه روابط خارجی قرار دهد. تأسیس و احیای دبیرخانه اکو اولین گام جدی این سازمان برای حسن‌نیت و ثبات‌قدم این سازمان فرهنگی به‌شمار می‌آید؛ گامی که در آینده نیز گسترش پیدا خواهد کرد.

زیر آسمان فیروزه ای

خسرو سینایی پس از دیدن نمایش «اصفهان، شهر بچه‌های لهستان»

مراقب باشید فاجعه‌ها تکرار نشوند

● **گروه هنر:** خسرو سینایی، نویسنده و کارگردان سینما، چهارشنبه‌شب به تماشای نمایش «اصفهان، شهر بچه‌های لهستان»، نوشته محمد چرمشیر، با طراحی رکسانا مهرافزون نشست و از آن به‌عنوان یک یادآوری برای عدم تکرار فاجعه‌های انسانی نام برد.سینایی که مستند «مرثیه گمشده» را درباره لهستانی‌ها مهاجر در ایران ساخته و از تصاویری از این مستند در این نمایش هم استفاده‌شده، از حضور لهستانی‌ها و مهاجرت آنها به ایران به عنوان تجربه عجیبی یاد کرد که ۴۸ سال از خاطرات او از این ماجرا می‌گذرد. او با بیان اینکه این موضوع او را هیچ‌وقت رها نکرده است، گفت: «همیشه از من می‌پرسیدند، چرا این موضوع را فراموش نمی‌کنی و من در جواب می‌گفتم من آن را رها کردم، اما این موضوع همیشه با من است. با اینکه کوشش‌های بسیاری صورت گرفت تا این مستند نادیده گرفته شود، اما خوشحالم که نسل جوان آن را یادآوری می‌کند».سینایی با اشاره به جمله یک فیلسوف لهستانی درباره فاجعه‌های انسانی ادامه داد: «فیلسوف لهستانی می‌گوید، فجایع تاریخ تکرار می‌شوند، چون نسل جدید فراموش می‌کند که چه بر سر نسل‌های گذشته آمده است. در این دنیای آشفته و در نبرد ابدی اهریمن و اهورامزدا همیشه باید به جبهه اهورامزدا کمک کنیم. در این شرایط که بسیاری از آدم‌های این دنیا آواره هستند، با نشان‌دادن فجایعی که ۷۰ سال پیش رخ داده باید، به نسل جدید یادآوری شود که فاجعه ایجاد نکنیم. فاجعه‌ها تکرارپذیرند و اگر مراقب نباشید، دوباره اتفاق خواهند افتاد و تکرار می‌شوند». کارگردان «عروس آتش» با ذکر خاطره‌ای از ساخت مستند «مرثیه گمشده» گفت: «در نزدیکی ورشو شهر کوچکی است که یک باشگاه سینمایی دارد. من را به آنجا دعوت کردند و بعد از نمایش فیلم به من گفتند می‌خواهیم از شما تشکر کنیم، چون بخشی از تاریخ ما را به ما نشان دادید که ما از آن اطلاع نداشتیم. حالا شما با اجرای این نمایش کاری کردید که دوباره به لهستان و دنیا یادآوری می‌کنید که فاجعه تکرارپذیر است».این کارگردان سینما از محمد چرمشیر و رکسانا مهرافزون برای این یادآوری تشکر کرد و گفت: «این دو از معدود افرادی بودند که برای استفاده از تصاویر فیلم مستند از من اجازه گرفتند، چون این روزها خیلی‌ها از این فیلم استفاده می‌کنند، بدون اینکه به من خبر دهند».

اصغر نوری با «اتللو به روایت یاگو» به آلمان می‌رود

● **گروه هنر:** تئاتر ۸۸ در ادامه تجربه‌های اجرائی خود روی متون شکسپیر، با نمایش «اتللو به روایت یاگو» در بیست‌وهفتمین دوره جشنواره بین‌المللی بونته‌بونه شرکت می‌کند. اصغر نوری، نویسنده، کارگردان و سرپرست تئاتر ۸۸، ضمن اعلام این خبر، افزود: جشنواره بونته‌بونه از ۱۴ تا ۲۱ آذر در شهر فلباخ آلمان برگزار می‌شود و تئاتر ۸۸ پیش از این، دو بار با نمایش‌های «هملت به روایت هوراشیو» و «بازی» در این جشنواره بین‌المللی شرکت کرده است. تئاتر ۸۸ در ادامه تجربه‌های اجرائی خود روی متون شکسپیر که هم‌زمان با تأسیس این گروه در سال ۸۸ شروع شده است، این‌بار نیز تلاش کرده یکی از متن‌های شکسپیر را به شیوه روایی و با استفاده از تکنیک‌های تئاتر ایرانی اجرا کند. این پنجمین تجربه شکسپیری تئاتر ۸۸ است و پیش از این، نمایش‌های «هملت به روایت هوراشیو»، «ریچارد سوم از تهران تا تورنون»، «طوفان» و «شاه‌لیر به روایت ادموند» را با همین شیوه در جشنواره‌هایی در فرانسه و آلمان اجرا کرده است. اقتباس و کارگردانی «اتللو به روایت یاگو» را اصغر نوری انجام داده و خودش به همراه غزاله رشیدی در آن بازی می‌کنند و حسین آگنج، آهنگ‌سازی کار را بر عهده داشته است. به گفته اصغر نوری، رپرتواری از تجربه‌های شکسپیری تئاتر ۸۸ شامل سه نمایش «شاه‌لیر به روایت ادموند»، «اتللو به روایت یاگو» و «هملت به روایت هوراشیو» در قالب یک نمایش اپیزودیک و به تهیه‌کنندگی حسن جودکی، اردیبهشت و خرداد ۹۷ در تماشاخانه سنگلج روی صحنه می‌رود.